



انجمن بین المللی قلم بعد از تشکیل در سال 1921 همواره پیگیرترین مدافع آزادی عقیده و بیان در سراسر جهان بوده است در بند چهارم منشور فدراسیون های انجمن قلم قید شده است که: « برای دفاع از تبادل آزاد عقاید در میان تمام ملل، هریک از اعضاء موظف هستند با هر نوع محدودیتی برای آزادی بیان در میان جمعیت خودشان، در کشورشان، و در سراسر جهان مخالفت کنند».

در سال 1960 در شرایطی که احساس می شد آزادی بیان در دنیا به طور جدی به خطر افتاده است و نویسندگان با زندانی شدن و شکنجه و تبعید و ادار به سکوت می شوند، کمیته نویسندگان زندانی در مرکز انجمن قلم در لندن تشکیل شد و به جمع آوری اطلاعات درباره نویسندگان زندانی پرداخت. اکنون 64 کمیته نویسندگان زندانی در همکاری با انجمن قلم در سراسر دنیا فعال هستند. کمیته نویسندگان زندانی از متخصصان ورزیده استفاده می کند، سالیانه حدود هزار پرونده را مورد بررسی و پیگیری قرار می دهد، و ضمن برقراری ارتباط با دولت ها، سازمان های غیر دولتی، خانواده زندانیان و در صورت امکان با خود زندانیان، برای آزادی نویسندگان از زندان اقدام می نماید.

برای تحقق آرمان های آزادیخواهانه انجمن قلم بود که پارلمان نویسندگان در 1993 خواهان رسمیت دادن به یک تشکیلات بین المللی برای دفاع از آزادی بیان گردید و از آن به بعد انجمن بین المللی قلم همکار رسمی یونسکو و مشاور شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد گردید.

با افزایش چشمگیر زندانی شدن و شکنجه و قتل نویسندگان توسط حکومت های دیکتاتوری، به ابتکار انجمن قلم روز پانزده نوامبر (24 آبان) به عنوان «روز جهانی همبستگی با نویسندگان زندانی» انتخاب شده و از سال 1981 هر سال به این مناسبت انجمن های قلم برای آگاه کردن افکار عمومی جهت دفاع از آزادی بیان و دفاع از نویسندگانی که به خاطر بیان آزاد عقاید خود زندانی شده اند و یا آثارشان مورد سانسور قرار گرفته و یا ممنوع القلم شده اند، فعالیت می کنند.

کمیته نویسندگان زندانی به کشورهای که آزادی عقیده و بیان در آن ها به شدت محدود شده و یا به کلی ممنوع است توجه ویژه دارد و در این میان کشورهای چین، ایران، الجزایر، بیرماتی (برمه)، بلاروس، و اتیوپی بیش از دیگران به سانسور کتاب و مطبوعات اقدام می کنند و نویسندگان و روزنامه نگاران را به زندان می اندازند، و یا حتی به اشکال مختلف آنان را می کشند که از آن جمله قتل های زنجیره ای نویسندگان در ایران را می توان نام برد. بر اساس اطلاعاتی که انجمن قلم دریافت می کند هر سال هزاران نویسنده قربانی سانسور و زندانی می شوند، ده ها نویسنده کشته و یا ناپدید می گردند و تعداد زیادی نیز به تبعید فرستاده می شوند.

از دهه پایانی قرن بیستم با عمومی شدن استفاده از اینترنت، نسل جدیدی از نویسندگان به صحنه آمده اند که نویسندگان اینترنتی نامیده می شوند. این نویسندگان و وبلاگ نویسان اغلب جوان و از نظر تعداد فراوانند و رژیم های دیکتاتوری با بستن سایت ها و وبلاگ ها و کنترل اینترنتی فعالیت های آنان، این نویسندگان را به شدت تحت فشار قرار می دهند و یا دستگیر و زندانی می کنند. در حال حاضر سانسور اینترنتی گسترده ترین شکل سانسور در دنیاست. کمپانی های بین المللی اینترنتی نظیر گوگل، یاهو، و مایکروسافت برای منافع بیشتر با رژیم های دیکتاتوری همکاری می کنند و در نتیجه نوعی سانسور جهانی به کمک این کمپانی ها ایجاد شده است. بدین جهت دفاع از نویسندگان اینترنتی و مبارزه با سانسور اینترنتی مساله روز نویسندگان در دنیا به ویژه در کشورهای چین و ایران شده است، تا آن جا که سال گذشته انجمن قلم سوئیس روز جهانی همبستگی با نویسندگان زندانی را به نویسندگان اینترنتی و مبارزه با سانسور اینترنتی اختصاص داد.

ایران بعد از چین بزرگترین زندان نویسندگان و روزنامه نگاران در دنیاست اما به علت سانسور شدید اخبار و اطلاعات و نبود ناظران بی طرف بین المللی در ایران، آن چه از سانسور و نبود آزادی عقیده و بیان به اطلاع نهاد های بین المللی می رسد تنها قطره ای از دریاست. در جمهوری اسلامی ایران افراد معمولی به خاطر داشتن عقیده ای غیر از عقیده حکام اعدام می شوند، چه رسد به نویسندگان که به اتهام تبلیغ علیه نظام همواره در معرض کشته شدن به دست مأموران حکومتی و یا گروه های سیاه و ابسته به حکومت هستند. نویسندگان از روز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی به اتهام های نامشخصی مانند مفسد فی الارض و محاربه با خدا زندانی و اعدام شده اند.

بدترین شکنجه برای یک نویسنده آن است که کتاب هایش سوزانده شود، آتش ممنوع گردد، خواندن کتاب هایش جرم محسوب شود و خوانندگان دستگیر و زندانی شوند. افکار عمومی دنیا آگاه است که اغلب نویسندگان، شعرا و روزنامه نگاران در جمهوری اسلامی ایران با شکسته شدن قلمشان، ممنوع شدن آثارشان، و از دست دادن کارشان بدترین شکنجه های روحی را تحمل می کنند.

خمینی اهل قلم را خطری برای حکومت اسلامی می دانست و می گفت « بشکنید این قلم ها را ». در جمهوری اسلامی نه تنها آزادی عقیده و بیان وجود ندارد بلکه اکثریت جمعیت کشور یعنی ملیت های غیر فارس، حق خواندن و نوشتن به زبان مادری خود را نیز ندارند. زندان های ایران شکنجه گاه نویسندگان، روزنامه نگاران، شعرا و روشنفکرانی است که برای دفاع از زبان مادری خودشان زندانی شده اند. سی میلیون آذربایجانی در ایران از داشتن مدرسه، روزنامه، رادیو و تلویزیون به زبان مادری خود و از هر نوع تشکل فرهنگی محروم هستند. زبان و فرهنگ آذربایجانیان تحقیر می شود و سیاست آسیمیلیاسیون آذربایجانیان با استفاده از تمام قدرت و امکانات حکومتی بیش از پیش اعمال می شود.

مدارس و نویسندگی مدرن در ایران به وسیله آذربایجانیان پایه گذاری شده است ولی با به قدرت رسیدن رضا شاه در سال 1304 و رسمی شدن زبان فارسی، آذربایجانیان از تحصیل به زبان مادری خود محروم شدند و طی 86 سال گذشته تنها به مدت یک سال در دوره حکومت ملی پیشه وری امکان آن را داشته اند که به زبان مادری خود تحصیل کنند که آن هم با لشکرکشی حکومت مرکزی به آذربایجان به خون کشیده شد و کلیه کتاب ها و آثار تألیف شده به زبان ترکی آذربایجانی در جشن کتاب سوزان نژادپرستان طعمه شعله های آتش گردید و نویسندگانی که زنده مانده بودند محکوم به زندان و یا مجبور به مهاجرت شدند.

بولود قره چورلو شاعر حماسه سرای آذربایجان یکی از نویسندگان آزادیخواه این دوره است که سال های طولانی از عمر خود را در زندان ها زیر شکنجه سپری کرد. غلامحسین ساعدی بزرگترین نمایشنامه نویس ایران نیز یکی دیگر از سببل های این دوران سیاه است که بارها زندانی شد و عاقبت در تبعید جان باخت.

بعد از انقلاب 1357 آذربایجانیان امیدوار بودند که خواست های ملی شان تحقق پیدا کند اما رژیم جدید به شکل وسیع تری سیاست ضد فرهنگی قبلی را ادامه داد و در نتیجه برای مقابله با ستم ملی و اختناق فرهنگی، جنبش ملی هویت طلبی آذربایجانیان تولد دوباره یافت، خواست تحصیل به زبان مادری محور مبارزات ملی در آذربایجان گردید، و هزاران شاعر و نویسنده نسل جوان به خلق آثار ماندگار به زبان مادری خود پرداختند. جواب حکومت مرکزی به این نوزائی فرهنگی، اختناق پلیسی و زندان و شکنجه و قتل نویسندگان بود که همچنان ادامه دارد. متأسفانه بخشی از نویسندگان فارسی زبان نیز که باید برای حفظ حرمت قلم با هر نوع ستم فرهنگی مخالفت کنند در عمل یار و یاور حکومت مرکزی در سرکوبی ملیت های غیر فارس هستند.

طی بیست سال گذشته که حرکت ملی آذربایجان گسترش یافته، روشنفکران و نویسندگانی که در راه شکوفائی فرهنگ و زبان مادری خود کوشیده اند بدون استثناء به زندان و شکنجه و تبعید محکوم شده اند و یا نظیر پروفیسور محمد تقی زهتابی و چنگیز بخت آور به صورت اسرارآمیزی جان باخته اند. در حال حاضر نیز تعداد زیادی از شعرا، نویسندگان، و روزنامه نگاران آذربایجانی به خاطر دفاع از زبان مادری، مخالفت با آپارتاید فرهنگی و استعمار داخلی در زندان های تبریز، اورمیه، اردبیل، زنجان و تهران زندانی هستند که از آن میان می توان از سعید متین پور، سعید نعیمی و حسن ارک نام برد و ده ها نویسنده دیگر آذربایجانی نیز مانند فرانک فرید، سیما دیدار، اکبر آزاد، حسن راشدی، حسن دمیرچی، سعید مغانلی و... بعد از تحمل مدت ها زندان و شکنجه با وثیقه های سنگین از زندان بیرون آمده اند، ممنوع القلم هستند، و تحت کنترل پلیسی در انتظار محاکمه اند.

انجمن قلم آذربایجان جنوبی (ایران) در تبعید که دفاع از آزادی عقیده و بیان را در سرلوحه فعالیت های خود قرار داده است، با هر نوع سانسور رسمی و غیر رسمی مبارزه می کند و با تمام توان خود از آزادی قلم و آزادی مطبوعات دفاع می نماید، ضمن بزرگداشت روز جهانی همبستگی با نویسندگان زندانی، خواهان آزادی بدون قید و شرط همه زندانیانی است که به خاطر بیان عقاید خود به زنجیر کشیده شده اند. ما با همه این خادمان فرهنگی آذربایجان و خانواده های آنان که نگران جان عزیزان خود هستند اعلام همبستگی می کنیم و وظیفه خود می دانیم که برای آزادی همه زندانیان عقیدتی و فرهنگی و ملی مان از هیچ تلاشی کوتاهی نکنیم.

انجمن قلم آذربایجان جنوبی (ایران) در تبعید – نوامبر 2011